

Civilizational Future Depiction Based on an Interpretive Atomistic Approach

Mohammad Eskandari¹

Received: 26-04-2023

Accepted: 26-07-2023

Abstract

The depiction of a future civilization in an atomistic approach is conducted in two ways: "studying the conditions and behaviors of past nations and communities" and "examining divine promises and narratives indicating the future state of societies and the end times." The validity of these two methods is based on certain rational, textual, and theological principles. Firstly, many verses and narrations identify the ultimate purpose of reflecting on the fate of past nations as a source of life lessons. Secondly, considering the unchanging divine traditions, the causes of these events can serve as models and be generalized to all times and places. That is, God has established laws and traditions since the time of past nations, which are not exclusive but rather universal principles applicable to all communities, from the past to the future. These laws predict the factors of growth and prosperity or decline and downfall of nations and communities. This depiction essentially consists of general propositions or laws about future events and their characteristics, derived from the conditions of past nations, forward-looking verses, and divine promises. It fundamentally differs from mere prediction or determinism. Ultimately, the inferred propositions collectively form different layers of this image, presenting an overall view of the envisioned future.

Keywords: Civilizational image, Atomistic approach, Lessons, Divine plan, Divine promises.

1. PhD Student in Public Policy, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadeq (AS) University, Tehran, Iran mo.es.vali@gmail.com

فصلنامه آینده‌پژوهی راهبردی

سال دوم، شماره ۷، پاییز ۱۴۰۲

مقاله سوم از صفحات ۵۳-۶۷

تصویرگری آینده تمدنی مبتنی بر رویکرد تفسیری جزئی‌نگر

محمد اسکندری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶

چکیده

تصویرسازی از آینده تمدنی در رویکرد جزئی‌نگر به دو صورت «مطالعه وضعیت و رفتار اقوام و امت‌های پیشین» و «بررسی وعده‌های الهی و اخباری که دلالت بر وضعیت آینده جوامع و آخرالزمان می‌کنند» انجام می‌پذیرد. حجیت این دو صورت مبتنی بر برخی مبانی نقلی، عقلی و کلامی است که مطابق آن اولاً بسیاری از آیات و روایات غایت عبرت‌آموزی در زندگی را فلسفه رجوع به سرنوشت اقوام پیشین معرفی می‌کنند، ثانیاً با توجه به سنت‌های لایتغیر الهی، علل این حوادث و وقایع قابل‌الگو برداری و تعمیم به همه زمان‌ها و مکان‌ها هستند؛ یعنی خداوند سنت‌ها و قوانینی از زمان اقوام گذشته جاری ساخته است که هرگز جنبه اختصاصی نداشته و به صورت سلسله قوانینی درباره همه اقوام از گذشته تا آینده قابل تعمیم است که بر اساس آن، عوامل رشد و سعادت یا انحطاط و زوال امت‌ها و اقوام در آن پیش‌بینی شده است. این تصویر در حقیقت گزاره‌ها یا قوانین کلی در مورد حوادث و ویژگی‌های امور آینده است که با الهام از وضعیت اقوام پیشین، آیات آینده‌نگرانه و وعده‌های الهی به دست آمده‌اند و تفاوت ماهوی با مسئله پیش‌گویی و محتوم‌انگاری دارند. در نهایت گزاره‌های استنباط شده، هر کدام در نسبت با یکدیگر لایه‌های مختلف این تصویر را پدید می‌آورند و نمایی کلی از آن به دست می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: تصویر تمدنی، رویکرد جزئی‌نگری، عبرت‌ها، طرح الهی، وعده‌های الهی.

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)،

مقدمه

یکی از مهم‌ترین پایه‌های ساخت جامعه مطلوب، ارائه تصاویر مطلوب از آینده آن است؛ زیرا جامعه فاقد چشم‌انداز و افق حرکتی در خوش‌بینانه‌ترین حالت خود دچار رکود و روزمرگی شده و به مرور سرمایه، منابع و امکانات خود را تباہ خواهد ساخت. بنابراین تصویرگری آینده مطلوب، محور اساسی تغییر وضعیت اجتماعی است که نتایجی مانند شکوفایی فرهنگی، جهت‌دهی فعالیت‌ها و احساسات آحاد جامعه، تمرکز قوا و منابع، تقویت عناصر اجتماعی، تولید مفاهیم و ادبیات جدید و ... را در بردارد. در مقابل، پیامد فقدان چنین تصویری زوال فرهنگی، بی‌برنامگی، پراکندگی قوا و کنش‌ها، غافلگیری و ... است. در مقوله تمدن‌سازی این مسئله دارای اهمیت اساسی تری است و تمدن‌ها برای بقا حیات و حفظ پویایی خود نیازمند تصویری از آینده خود هستند. این تصویر در پیوند وثیق با پارادایم‌ها، ارزش‌ها، آرمان‌ها، ظرفیت‌ها، اقتضائات زمانی و مکانی و کلان‌روندهای آینده تمدن است که هر جامعه و تمدنی مبتنی بر این مولفه‌ها وضعیت آرمانی خود را تصویرگری کرده و در جهت نیل به آن برنامه‌ریزی و حرکت می‌کند. چنین تصویرسازی برای آینده تمدن اسلامی نیز امری ضروری بوده و تمدن اسلامی برای حفظ بقا و رقابت تمدنی خود، اولاً به ساخت چنین تصویری نیاز داشته؛ ثانیاً باید در مسیر گفتمان‌سازی، پذیرش اجتماعی و ترویج آن قدم بردارد. اساس چنین تصویری باید با دو مقوله مرتبط باشد، ارزش‌های الهی و اسلامی و واقعیت‌های بیرونی. پژوهش حاضر بر آن است تا نسبت تصویر آینده تمدنی با ارزش‌ها و مبانی دینی را بیاید و اساساً آنچه حائز اهمیت است این سوال است که دین اسلام و قرآن چه زمینه ذهنی از آینده تمدنی و مولفه‌های آن برای حرکت تمدنی ارائه می‌دهد؟ روش استنباط و اکتشاف چنین تصویری چگونه است؟ پاسخ چنین سوالاتی در نوع رویکرد استنباطی است که در مواجهه با دین و متن دینی اتخاذ می‌شود؛ بر این اساس، از میان چند رویکرد تفسیری و استنباطی که وجود دارد می‌توان متناسب با هر یک به تصویری دینی و قرآنی از آینده تمدنی و مولفه‌ها و ویژگی‌های آن دست یافت. رایج‌ترین این رویکردها تفسیر و رویکرد «جزئی‌نگر»، «استنباطی و موضوعی» و «ساختاری و سیاقی» است. در این پژوهش سعی خواهد شد با محوریت رویکرد جزئی‌نگر و دلالت‌های تفسیری آن به روش‌شناسی و چگونگی ارائه تصویر الهی از آینده تمدنی مبتنی بر متن قرآن کریم پرداخته شود. عمده تمرکز این رویکرد معطوف به بررسی دلالت آیات و روایات در مورد رفتار اقوام پیشین، رفتار خداوند با آن‌ها، حوادث و وقایع پیشین، قصص انبیا، سرنوشت اقوام، خطابات الهی در مورد امت‌ها و ... است. این رویکرد با اعتقاد به ایده حق باوری در تاریخ و وجود

جریان تاریخی حق و باطل، رویدادهای گذشته را همانند آینه‌ای می‌داند که وقایع حال و آینده را ترسیم می‌کند. در نتیجه استنباط مولفه‌ها و ویژگی‌های گذشتگان، بمنابۀ چراغ راهی برای جوامع حال و آینده محسوب خواهد شد.

مفسرین و پژوهشگران دینی برای اعتبار چنین رویکرد شواهدی از آیات قرآن ذکر می‌کنند؛ بطور نمونه قرآن کریم یکی از وجوه آگاهی جوامع را عبرت آموزی به وسیله مطالعه سرنوشت پیشینیان معرفی می‌کند. مبتنی بر همین مبانی عده‌ای هدف قرآن از طرح وقایع تاریخی را داستان‌سرایی صرف ندانسته بلکه عبرت آموزی و ارائه رهنمودهای سازنده برای حال و آیندگان از رهگذر تاریخ می‌دانند. بر همین اساس قرآن در ذکر وقایع و حوادث برعکس کتب تاریخی به ذکر مسائل کم‌فایده‌ای که نقش اساسی در هدایت جوامع ندارند نپرداخته و در برخی موارد پیگیری چنین مسائلی را نیز نکوهش می‌کند.^۱

۱. مبانی نظری: روش تفسیری جزئی‌نگر و مبانی آن

این رویکرد، ساختار سوره و ارتباط بین آیات آن را در کشف معانی و مفاهیم قرآن دخیل نمی‌داند و هر واژه، آیه، بخشی از آیه یا آیات را مستقل از بافت کلی سوره بررسی می‌کند؛ لذا واحد استناد در این روش آیه واحد یا بخشی از آن، آیات متعدد، تفسیر روایی یا روایت‌های مستقل و با تکیه بر ویژگی‌های ادبی و زبان‌شناختی واژگان است (احمدی آشتیانی، ۱۴۰۱: ۴)

تصویرسازی از آینده تمدنی در روش جزئی‌نگر به دو صورت انجام می‌پذیرد:

- ۱- مطالعه وضعیت اقوام و امت‌های پیشین؛
- ۲- بررسی وعده‌های الهی و اخباری که دلالت بر وضعیت آینده جوامع و آخرالزمان می‌کنند.

حجیت این دو صورت مبتنی بر برخی مبانی نقلی، عقلی و کلامی است که مطابق آن اولاً بسیاری از آیات و روایات غایت عبرت‌آموزی در زندگی را فلسفه رجوع به سرنوشت اقوام پیشین معرفی می‌کنند؛ ثانیاً با توجه به سنت‌های لایتغیر الهی علل این حوادث و وقایع قابل‌الگو برداری و تعمیم به همه زمان‌ها و مکان‌ها هستند؛ یعنی خداوند سنت‌ها و قوانینی از زمان اقوام گذشته جاری ساخته است که هرگز جنبه اختصاصی نداشته و به صورت سلسله قوانینی درباره همه اقوام از گذشته تا آینده قابل تعمیم است که بر اساس آن، عوامل رشد و سعادت یا انحطاط و زوال امت‌ها

۱. خداوند در آیه ۲۲ سوره کهف پرسش و پیگیری از تعداد نفرت‌ها صاحب کهف را نکوهش می‌کند.

و اقوام در آن پیش‌بینی شده است (موسوی مبلغ، ۱۳۹۳).

۲. روش پژوهش

بخشی از روش تحقیق نوشتار پیش رو مبتنی بر روش گرده‌آوری داده‌ها به صورت اسنادی است؛ سپس به روش توصیفی - تحلیلی به تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده پرداخته شده است. بخش دیگر پژوهش نیز مبتنی بر روش تفسیری جزئی‌نگر سامان یافته است.

۳. یافته‌های پژوهش

ابتدا مراحل و چگونگی تصویرگری مبتنی بر رویکرد تفسیری جزئی‌نگر توضیح داده می‌شود و در بخش دیگر ویژگی‌ها و کلیات تصویر آینده تمدنی برآمده از تفسیر جزئی‌نگر بیان می‌شود.

۳-۱. رویکرد جزئی‌نگر و مبانی آن

همانطور که اشاره شد تصویرسازی از آینده تمدنی در روش جزئی‌نگر به دو صورت انجام

می‌پذیرد:

- ۱- مطالعه وضعیت اقوام و امت‌های پیشین؛
- ۲- بررسی وعده‌های الهی و اخباری که دلالت بر وضعیت آینده جوامع و آخرالزمان می‌کنند.

قرآن به دو صورت مخاطب را به اهتمام در امر تاریخ دعوت کرده است؛

الف) دعوت و امر به سیر در زمین و مشاهده آثار بجا مانده از پیشینان؛

ب) «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (آل عمران:

۱۳۷ و ۱۳۸).^۱

ب) «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (نمل: ۶۹).^۲

قرآن بین گذشته، حال و آینده پیوند می‌دهد و با دعوت به سیر در آثار پیشینان ارتباط فکری،

فرهنگی امروزیان با گذشتگان خود را رقم می‌زند تا علل و عوامل سعادت و کامیابی یا سقوط و

افول آنان مایه عبرت آیندگان گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۰۹)

ب) توجه به سرگذشت اقوام و امت‌های تاریخی؛

۱. «پیش از شما سنتهایی وجود داشت (و هر قوم طبق اعمال و صفات خود سرنوشتی داشتند که همانند آن را شما

نیز دارید) پس در روی زمین گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟!»

۲. «بگو بروید در روی زمین گردش کنید سپس بنگرید عاقبت و سرانجام گناهکاران چگونه بوده است.»

این قسمت بخش عظیمی از دلالت‌های تاریخی آیات قرآنی را به خود اختصاص می‌دهد و تصریح بر این دارد که ذکر سرگذشت پیشینیان به جهت اغراض زیر است:

هدایت: «أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلأُولَى النَّهَى» (طه: ۱۲۸).^۱

عبرت آموزی: «فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الأَخِرَةِ وَ الأُولَى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَن يَخْشَى» (نازعات:

۲۵ و ۲۶).^۲

- «لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولَى الأَلْبَابِ» (یوسف: ۱۱۱).^۳

الگودهی: «فَدَا كَأَن تَكُمُ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الأَذِينَ مَعَهُ.....» (ممتحنه، ۴).^۴

- «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ الأَللهِ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» (احزاب: ۲۱).^۵

تثبیت قلب پیامبر (ولی جامعه) و تقویت مومنین: «وَ كلاً نَقُصُّ عَلَيْكَ مِن أُنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَآذِهِ الأَحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ». (موسوی مبلغ، ۱۳۹۳).^۶

از حیث روایی نیز روایت متعددی وارد شده است که مبنای استنباط علل و عوامل ظهور و سقوط امت‌ها و پیش‌بینی آینده تمدن‌ها در این رویکرد قرار گرفته است. امیرالمومنان علی (ع) در فرمایشی خطاب به فرزندان چنین می‌فرماید: «أَيُّ بَنِي إِيَّيْ وَ إِنْ لَمْ أَكُنْ عُمَرْتُ عُمَرَ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَ فَكَّرْتُ فِي أَحْبَابِهِمْ وَ سِيرْتُ فِي آثَارِهِمْ حَتَّى عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ بَلْ كَأَنِّي بِمَا أَنْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمَرْتُ مَعَ أَوْلِيهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ فَعَرَفْتُ صَفْوَةَ ذَلِكَ مِنْ كَدَرِهِ وَ نَفَعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ»؛ «پسر! درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آنها نظر افکندم، و در اخبارشان اندیشیدم، و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویا یکی از آنان شده‌ام،

۱. «آیا برای هدایت آنها کافی نیست که ما بسیاری از امت‌های گذشته را پیش از ایشان به هلاکت رساندیم در حالی که

اینها در منازل آنان، راه می‌روند؟ بدستی که در این امر نشانه‌هایی برای صاحبان عقل وجود دارد.»

۲. «از این رو خداوند او (فرعون) را به عذاب آخرت و دنیا گرفتار ساخت در این عبرتی است برای کسی که (از خدا)

بترسد!» آل عمران: ۱۳، حشر: ۲.

۳. «پراستی که در سرگذشت‌های آنها، درس عبرتی برای صاحبان اندیشه است.»

۴. «برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت ...»

۵. «مسئلاً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود...»

۶. «ما از هر یک از سرگذشت‌های انبیا برای تو بازگو کردیم، تا به وسیله آن، قلبت را آرامش بخشیم و اراده ات

قوی گردد. و در این (اخبار و سرگذشت‌ها) برای تو حق، و برای مؤمنان موعظه و تذکر آمده است.»

بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام، پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم، و زندگانی سودمند آنان را با دوران زیان بارش شناسایی کردم» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). حضرت در در فرمایشی دیگر نیز می‌فرماید: «استدلّ علی ما لم یکن بما قد کان، فإنّ الأمور أشباه»؛ «برای امور واقع نشده به آنچه واقع شده است استدلال نما و با مطالعه قضایای تحقق یافته، حوادث یافت نشده را پیش بینی کن؛ زیرا امور جهان، همانند یکدیگرند» (نهج البلاغه، نامه ۴۶۷).

اتکا این رویکرد بر صورت دوم نیز (وعده‌های الهی و اخبار آینده) مبتنی بر مبنای حقانیت و تخلف‌ناپذیری وعده‌های الهی است. چون وعده‌های الهی قول خداوند هستند لذا از مقوله مفاهیم ذهنی نبوده بلکه از مقوله حقایق خارجی، عینی و حتمی هستند (کاوه و محمدحسینی، ۱۳۹۸: ۲۰۹). ویژگی حقانیت^۱ و تخلف‌ناپذیری^۲ وعده‌های الهی یکی از مهم‌ترین امکانات در تصویرسازی از آینده در رویکرد جزئی‌نگر است که با کشف و تمسک بر آن‌ها می‌توان برخی ویژگی‌های ناظر بر مومنان، ستمگران، جوامع ایمانی و طاغوتی را در آینده استنباط کرد.

۳-۱. رویکرد جزئی‌نگر و تصویر تمدنی

تصویری که با اتکا بر رویکرد جزئی‌نگر از قرآن^۳ استنباط می‌شود در حقیقت گزاره‌های کلی

۱. «وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَ مَنْ أٰدَقُ مِنَ اللَّهِ قَبِيْلًا»، «وعده خدا حق است، و راستگوتر از خدا در وعده کیست؟» (النساء: ۱۲۲)

۲. «وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيْعَادَ»، «خدا این وعده را داده است خدا وعده خلافی نمی‌کند» (الزمر: ۲۰).

۳. از حیث روایی در مورد برخی روایات ناظر به آینده می‌توان ادعا کرد که تصویرسازی از امور صورت می‌گیرد که تنها متکی بر گزاره‌های کلی نیست بلکه روایت در مقام تبیین و تصویرگری صحنه‌ای از رویدادهای آتی است که حتی در برخی موارد مختصات زمانی و مکانی صحنه نیز در آن ذکر می‌شود؛ روایت منقول از امام صادق (ع) نمونه واضح چنین تصویرگری است:

«عَنِ الصّٰدِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اِنَّهُ ذَكَرَ كُوْفَةَ وَ قَالَ سَتَخْلُو كُوْفَةُ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ يَأْزُرُ اَيُّرُبًا عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ اِنَارِبًا الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبَلَدَةٍ يُقَالُ لَهَا قُمَّ وَ تَصِيْرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلُ حَتّٰى لَا يَبْقٰى فِي الْاَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّيْنِ حَتّٰى الْمُخَدَّرَاتُ فِي الْحِجَابِ وَ ذٰلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظَهْوَرِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمَّ وَ اَهْلَهُ قَائِمِيْنَ مَقَامَ الْحُجَبَةِ وَ لَوْ لَا ذٰلِكَ لَسَاخَتْ الْاَرْضُ بِاَهْلِهَا وَ لَمْ يَبْقٰى فِي الْاَرْضِ حُجَّةٌ فَيَبْيُضُ الْعِلْمُ مِنْهُ اِلٰى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَيَتِمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلٰى الْخَلْقِ حَتّٰى لَا يَبْقٰى عَلٰى الْاَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ اِلَيْهِ الدِّيْنُ وَ الْعِلْمُ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَسِيْرُ سَبَبًا لِنَقِيْمَةِ اللَّهِ وَ سَخَطِهِ عَلٰى الْعِبَادِ لِاَنَّ اللَّهَ لَا يَنْتَقِمُ مِنَ الْعِبَادِ اِلَّا بَعْدَ اِنْكَارِهِمْ حُجَّةً» «از امام صادق علیه السلام روایت شده که نام کوفه را برد و فرمود: بزودی کوفه از مؤمنان تهی شود و دانش از او نماند و چنانچه مار در سوراخش نماند، سپس دانش در شهری پدید شود که قمش گویند، و معدن علم و فضل گردد تا آنجا که در روی زمین هیچ نادانی نسبت بدین

در مورد حوادث و ویژگی‌های امور آینده است که می‌توان با الهام از وضعیت اقوام پیشین و وعده‌های الهی، به‌طور فراوان از آیات مختلف پراکنده در جای‌جای قرآن یا حتی بخشی از آیات به دست آورد و توصیه‌های کلی در مورد آینده و وضعیت مطلوب از آن ارائه داد. به‌طور نمونه دیدگاه قرآن در باب عوامل انحطاط و سقوط جوامع و تمدن‌ها با استناد بر آیاتی که به فروپاشی و نابودی اقوام پیشین پرداخته است، استنباط می‌شود و علل و عوامل منفی مانند فساد (با برداشت از فساد اقوامی مانند فرعون و ثمود)^۱، فسق (با برداشت از سرنوشت قوم لوط و فرعون)^۲، اسراف (با الهام از سرنوشت قوم لوط)^۳، عدم ایمان به خدا و تصدیق انبیا (مبتنی بر سرگذشت قوم نوح)^۴، استکبار (فرعونیان)^۵، رفاه زدگی و عدم سپاسگزاری^۶، ظلم^۱، طغیان (فجر: ۹-۱۳)، ترک امر

نماند تا برسد بنو عروسان پرده‌نشین این نزدیک بظهور قائم ما باشد، و خدا قم و مردمش را مقام حجت سازد، و اگر آن نباشد زمین اهلس را فرو برد و حجتی در زمین نماند، و دانش از آن بهمه بلاد منتشر گردد در مشرق و مغرب و حجت خدا بر مردم تمام شود. تا کسی در روی زمین نماند که علم و دین بدو نرسد، سپس قائم ظهور کند و سبب انتقام و خشم خدائی بر بنده‌ها شود، زیرا خدا از بنده‌ها انتقام نگیرد مگر پس از اینکه حجت را انکار کنند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۳/۵۷).

۱. «وَ تَمُودُ الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ، وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ، الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبَلَدِ، فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ، فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ» «و با قوم ثمود آنان که در آن وادی [برای ساختن بناهای استوار و محکم] تخته‌سنگ‌ها را می‌بریدند؟، و با فرعون نیرومند که دارای میخ‌های شکنجه بود؟، همانان که در شهرها طغیان و سرکشی کردند؟، و در آنها فساد و تباہ‌کاری فراوانی به بار آوردند؟، پس پروردگارت تا زیانه عذاب‌های گوناگون را بر آنان فرو ریخت» (فجر: ۹-۱۳).

۲. «إِنَّا مُنَزِّلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»؛ «ما بر اهل این شهر به علت کار بسیار زشتی که مرتکب می‌شوند، عذاب سختی از آسمان نازل خواهیم کرد» (عنکبوت: ۳۴) و «فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ»؛ «و قومش را دلیل و زبون داشت تا همه مطیع فرمان وی شدند که آنها مردمی فاسق و نابکار بودند» (زخرف: ۵۴).

۳. «ثُمَّ صَدَقْنَاَهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَّشَاءُ وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ»؛ «آن گاه ما به وعده‌ای که به آنها دادیم وفا کردیم و آنان را با هر که خواستیم (از شر دشمنان) نجات دادیم و مسرفان ظالم را هلاک گردانیدیم» (انبیا: ۹) و «إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النَّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ»؛ «شما زنان را ترک کرده و با مردان سخت شهوت می‌رانید! آری شما قومی (در فساد و بزهکاری) اسرافکارید» (اعراف: ۸۱).

۴. «وَ قَوْمٌ نُّوحٌ لَّمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَ جَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً»؛ «قوم نوح را هنگامی که پیامبران را تکذیب کردند، غرق کردیم، و آنان را برای مردم نشانه‌ای [عبرت‌آموز] قرار دادیم» (فرقان: ۳۷).

۵. «إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأْنَاهُ فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا غَالِينَ»؛ «بپه سوی فرعون و سران و اشراف قومش، پس تکبر ورزیدند و آنان قومی برتری‌جو بودند» (مومنون، ۴۶).

۶. «وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمَّ تَسْكُنْ مِّنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَ كُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ»؛ «چه بسیار [اهل] شهرهایی را که [به سبب فراوانی نعمت] در زندگی خود گرفتار سرمستی و طغیان شده بودند هلاک کردیم، پس این‌ها خانه‌های ایشان است که پس از آنان [خراب و ویران شده و] جز اندکی مورد سکونت قرار نگرفته‌اند،

به معروف و نهی از منکر (اعراف: ۱۶۴-۱۶۶) به عنوان علل انحطاط تمدن‌ها ذکر می‌شود (گوهری فخرآباد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲-۲۱).

در حوزه علل و عوامل ایجابی تمدن‌ساز نیز چنین بوده و با استناد به این رویکرد عواملی مانند انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر^۲، ایمان به خدا و تصدیق انبیاء و اولیاء الهی^۳، اعتدال و میانه‌روی^۴، مقاومت و پایداری در مقابل دشمنان الهی^۵ رمز شکوفایی و صعود جوامع ذکر شده است (گوهری فخرآباد و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳ و ۲۴).

به همین ترتیب مولفه‌های فراوان سلبی یا ایجابی دیگری نیز وجود دارد که می‌توان مبتنی بر این رویکرد روشی و با سبک و سیاق فوق‌آن‌ها را استنباط کرد و نهایتاً اینگونه نتیجه گرفت که اگر جوامع حال و آینده چنین رویه‌ای اتخاذ کنند در حوزه علل و عوامل منفی سرنوشتی جز تباهی و انحطاط نخواهند داشت و درحوزه علل مثبت به رشد و شکوفایی خواهند رسید؛ اما نکته-ای که وجود دارد این است که در این رویکرد به ماهیت و جزئیات امر بسیاری از این مولفه‌ها و

و فقط ما وارث آنان هستیم» (قصص: ۵۸).

۱. «وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ»؛ «و ما [در هیچ حالی از احوال] نابودکننده شهرها نبوده‌ایم مگر در حالی که اهلس ستمکار بوده‌اند» (قصص: ۵۹).

۲. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»؛ «شما بهترین امتی هستید که [برای اصلاح جوامع انسانی] پدیدار شده‌اید، به کار شایسته و پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند و زشت بازمی‌دارید، و به خدا ایمان می‌آورید» (آل عمران: ۱۱۰).

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدْرِكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ، تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ «ای اهل ایمان! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذابی دردناک نجات می‌دهد؟ به خدا و پیامبرش ایمان آورید، و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید این [ایمان و جهاد] اگر [به منافع فراگیر و همیشگی آن] معرفت و آگاهی داشتید، برای شما [از هر چیزی] بهتر است» (صف: ۱۰-۱۱).

۴. «وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لَّتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»؛ «و ما هم چنان شما (مسلمین) را به آیین اسلام هدایت کردیم و به سیرت نیکو بیاراستیم تا گواه مردم باشید و پیغمبر نیز گواه شما باشد» (بقره: ۱۴۳).

۵. «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا اأَفْرَغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»؛ «نگامی که سپاه طالوت با لشکر جالوت روبه‌رو شدند، گفتند: پروردگارا، «مقاومت» در برابر دشمن را بر ما سرازیر کن و گام‌هایمان را استوار دار، و ما را بر این دشمنان کافر پیروز بگردان» (بقره: ۲۵۰)، «فَأَسْتَقِيمُ كَمَا أَمَرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطْعُوا إِلَيْهِ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا»؛ «پس تو چنان که مأموری استقامت و پایداری کن و کسی که با همراهی تو به خدا رجوع کند نیز پایدار باشد، و (هیچ از حدود الهی) تجاوز نکنید که خدا به هر چه شما می‌کنید بصیر و داناست.» (هود: ۱۱۲).

نسبت آن‌ها با یکدیگر چندان اشاره نمی‌شود زیرا همانطور که واضح است برخی از این مولفه‌ها در مورد چند قوم یا چند مولفه در مورد یک قوم ذکر شده است؛ لذا این سوال وجود دارد که آیا این مولفه‌ها خاصیت استقلالی در انحطاط یا رشد و شکوفایی جوامع دارند یا اینکه به دلالت مطابقی آیات باید اتکا کرد و درجایی که دو مولفه برای یک قوم ذکر شده، حضور و معیت چند مولفه با هم موجب انحطاط یا شکوفایی خواهد شد؟

مهم‌ترین بخشی که این رویکرد را با تصویرسازی از آینده مرتبط می‌کند توجه به وعده‌های الهی است. وعده‌های الهی در بردارنده سه ایده «پیشگویی»^۱، «آینده‌نگری» و «قوانین کلی» است که اگرچه موضوع آینده وجه مشترک این مقولات است اما در عین حال با هم تفاوت ماهوی دارند؛ زیرا مراد از پیشگویی بیان اخبار آینده می‌باشد که پیشگو با قطع و یقین نسبت به وضعیت موضوعی خاص در آینده، اخبار آن را پیشاپیش بیان می‌کند. در حقیقت پیشگو تنها به بیان آنچه اتفاق خواهد افتاد می‌پردازد، نه اینکه چگونه باید باشد یا چگونه اداره شود؟ در حالیکه آینده‌نگری تدبیر و سیاست‌گذاری نسبت به آینده و تعیین چگونگی بودن (وضع مطلوب) و شدن (گذار به مطلوب) آن است؛ بنابراین در پیشگویی‌های قرآنی فارغ از طرح و برنامه‌ریزی خاص نسبت به آینده تنها به بیان آنچه در آینده و در ارتباط با موضوع خاصی که واقع خواهد شد پرداخته می‌شود. بطور نمونه وقایعی مانند پیشگویی غلبه رومیان بر ایرانیان نه سال قبل از واقعه (آن هم در وضعیتی که بعید به نظر می‌رسید)^۲، پیشگویی غلبه مسلمانان در نبرد «بدر»^۳ و پیشگویی فتح مکه^۱

۱. عنوان عربی این واژه در سنت دینی عبارت «ملاحم» است که پیشینیان آثار خود در ارتباط با آینده‌گویی‌ها، اخبار غیبی و پیشگویی‌ها را «ملاحم و فتن» می‌نامیدند که عموم شیعه برای این کتاب‌ها واژه «ملاحم» را بکار می‌برند. در این کتاب‌ها احادیث مرتبط با آخرالزمان، پیشگویی‌های آینده و اخبار غیبی جمع‌آوری شده است.

۲. «غَلَبَتِ الرُّومُ، فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَ هُمْ مَن بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ، فِي بَضْعِ سِنِينَ لِّلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ يُؤْمَنُ بِدُفْعِ الْفَرَجِ الْمُؤْمَنُونَ»؛ «رومیان مغلوب شدند، در نزدیک‌ترین سرزمین [خود به حجاز که نواحی شام است]، و آنان پس از مغلوب شدنشان به زودی پیروز خواهند شد. البته] در ظرف چند سال. عاقبت و نتیجه کار پیش از مغلوب شدن رومیان] و پس از پیروزی رومیان] فقط در سیطره اراده و فرمان خداست، و آن روز [که رومیان پیروز شوند] مؤمنان شادمان و خوشحال خواهند شد» (روم: ۲-۴).

۳. «وَ إِذْ يَبْعُدُكُمْ اللَّهُ أُحَدَى الطَّائِفِينَ إِنَّا لَكُمْ وَ تَوَدُونَ إِنْ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَه تَكُونُ لَكُمْ وَ يَرِيْدُ اللَّهُ إِنْ يَحِقَّ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَقْطَعُ دَابِرَ الْكَافِرِينَ. لِيَحِقَّ الْحَقُّ وَ يَبْطُلَ الْبَاطِلُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ»؛ «(و به یاد آورید) هنگامی را که خداوند به شما وعده داد که یکی از دو گروه (کاروان تجاری قریش با لشکر آن‌ها) برای شما خواهد بود. اما شما دوست می‌داشتید که کاروان برای شما باشد (و بر آن پیروز شوید) ولی خداوند می‌خواهد حق را با کلمات خود تقویت و ریشه کافران را قطع کند (لذا شما را با لشکر قریش در گیر ساخت). تا حق تثبیت شود و باطل از میان برود هر چند مجرمان کراهت داشته

از مهم‌ترین پیشگویی‌های قرآنی هستند (قمی، ۱۳۶۷: ۴۴۳) که در آن خداوند فارغ از کم و کیف ماجرا و وضعیت و زمینه‌های موجود وعده رخداد این وقایع را، با وجود اینکه احتمال وقوع این وقایع اندک به نظر می‌رسید، از قبل داده بود؛ اما آینده‌نگری قرآنی ناظر بر چگونگی وضعیت بشری در آینده (مطلوب و نامطلوب) و نحوه اراده خداوند بر اداره آن است نه اینکه تصویری محتوم از سرنوشت بشریت ارائه دهد (شفیعی دارابی، ۱۳۷۱). با این بیان بسیاری از آیات قرآنی ناظر بر آینده، در مقام پیشگویی یقینی نبوده بلکه در مقام آینده‌نگری قرآنی، حکایت از طرح، برنامه و اراده الهی برای اداره هستی و بشریت در آینده دارد:

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین، منت گذارده و آنان را پیشوایانی قرار دهیم و وارثان‌شان کنیم، و در زمین به آنان تمکین بخشیم» (قصص: ۵-۶).

«وَعَلَى اللَّهِ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»؛ «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده اند وعده داده است که آنان را در زمین جانشین کند، چنانکه اسلامشان را نیز جانشین نمود، و دینشان را که برای ایشان پسندیده است تمکین و استقرار بخشد، و خوفشان را به امنیت تبدیل کند» (نور: ۵۵).

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»؛ «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند» (توبه: ۳۳)

همانطور که معلوم است مقصود از آیات مذکور بیان نوعی برنامه‌ریزی، اعمال تدبیر، اراده و طرح الهی نسبت به آینده بشریت است (شفیعی دارابی، ۱۳۷۱) نه اینکه آیات ناظر بر وقوع حتمی موضوعی خاص باشد.

در نتیجه در قسمت پیشگویی‌های قرآنی حوزه وعود الهی، نمی‌توان با استناد بر آیات دال بر پیشگویی تصویری از آینده تمدنی به دست آورد؛ زیرا اولاً امر محتومی بوده ثانیاً ناظر بر اموری

باشند» (انفال: ۷ و ۸)

۱. «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ...»؛ «بی‌گمان آن کس که قرآن را بر تو نازل کرد تو را به جایگاهت (مکه) باز می‌گرداند» (قصص: ۸۵).

است که رخداد آن‌ها در گذشته اتمام یافته است؛ اما در قسمت آیات قرآنی با رویکرد آینده‌نگری، دلالت این آیات بر القا نوعی تصویر مطلوب یا نامطلوب از آینده است که مبتنی بر طرحی الهی، خداوند اراده تحقق آن را دارد و می‌توان دورنما و تصویر تمدنی از آن استنباط کرد. بطور نمونه از دو آیه فوق چنین استنباط می‌شود که باید تصویر مطلوب از آینده تمدنی با مقولاتی مانند استضعاف و غلبه مستضعفین، استخلاف و حاکمیت بر زمین، استقرار دین برتر و متعالی و ... نسبت و جهتی داشته باشد. بالعکس تصویر نامطلوب نیز با مولفه‌هایی مانند شرک، استکبار، عدم ایمان به خداوند و ... ترسیم می‌شود. آیات دیگری نیز وجود دارد که با استفاده از همین رویکرد می‌توان تصویری آینده‌نگرانه از آینده مطلوب استنباط کرد.

قسمت سوم از وعود الهی ناظر بر وجود قوانین کلی در رابطه با موضوعاتی مانند نظام هستی، تاریخ، جامعه ایمانی، جامعه مشرکین و ... است که تحقق امور در آینده را به صورت تعلیقی مطرح می‌کنند و تحقق وضعیتی از آینده را منوط به اراده اقوام و رعایت یا وقوع برخی از امور زمینه‌ای بیان می‌کنند (مکارم، ۱۳۷۴، ۱۳۴/۳). به‌طور نمونه در مورد رابطه خداوند با اهل ایمان قانون کلی نجات و نصرت مومنان توسط خداوند را داریم؛

«ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ»؛ «سپس ما نجات می‌دادیم، فرستادگان خود و کسانی را که به آنان ایمان می‌آوردند، و این چنین بر ما سزاوار است که مؤمنان را نجات دهیم» (یونس: ۱۰۳).

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاذْتَمَنَّا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ»؛ «ای رسول، ما پیش از تو پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم آنها معجزه‌ها و دلایلی روشن آوردند و هنگامی که اندرزا نتیجه نداد ما هم از کافران و تبهکاران انتقام گرفتیم و همواره یاری و نصرت مؤمنان بر ما حقی لازم است» (روم: ۴۷).

وجود رابطه بین ایمان جمعی و گشایش الهی قانون کلی دیگری است که خداوند وعده آن را مطرح می‌کند؛

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»؛ «و اگر مردم شهرها و آبادیها، همه ایمان آورده و پرهیزگار می‌شدند، همانا درهای برکات آسمان و زمین را، بر روی آنها می‌گشودیم» (اعراف: ۹۶).

مسئله اراده اجتماعی و قانون مندی نسبت آن با اراده خداوند نیز قضیه کلی دیگر در زمینه

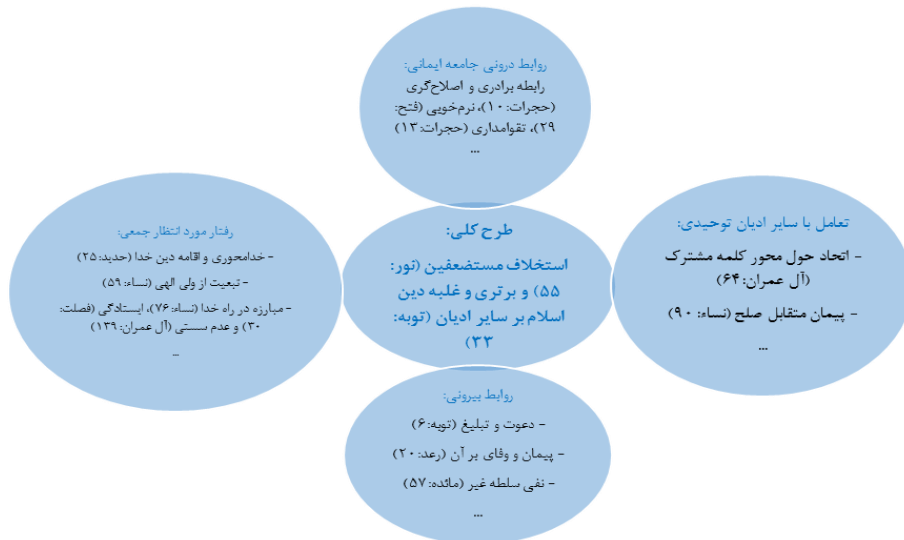
و عود الهی است که می‌تواند مبنای آینده‌نگری باشد؛

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ»؛ «البته، خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنها خود را تغییر دهند، و هنگامی که خدا برای قومی اراده بدی کند هیچ چیز مانع آن نخواهد شد، و جز خدا سرپرستی نخواهند داشت» (رعد: ۱۱).

گزاره‌های به‌دست آمده از بخش آینده‌نگری قرآنی، وعده‌های الهی و سایر آیات قرآنی هر کدام در نسبت با یکدیگر لایه‌های مختلف این تصویر را پدید می‌آورند و نمایی کلی از آن به دست می‌دهند. مثلاً هنگامی که طرح و ایده کلی خداوند درباره آینده هستی و بشریت به‌دست آمد، متناسب با این طرح، گزاره‌های مرتبط با نوع تعاملات انسانی (درون و برون جوامع اعم از ایمانی و شرک)، تعاملات ادیان، نقش اراده جمعی، عبرت‌های پیشینیان و ... جزئیات طرح کلی را بیشتر نمایان می‌سازند و بطور مثال پاسخ سوالاتی مانند چگونگی تعامل جامعه ایمانی با خود و دیگر مومنین، مشرکین و کفار، نسبت ادیان با یکدیگر، رفتار مورد انتظار جامعه ایمانی و ... مشخص می‌شود و سوالاتی از این دست به‌مرور تکه‌های پازل طرح کلی را تکمیل می‌کنند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در جمع‌بندی می‌توان چنین گفت که رویکرد جزئی‌نگر در همه اقسام و جوانب آن که بررسی شد در حقیقت ارائه تصویر نمی‌کند بلکه بیشتر در مقام استنباط و بیان قوانین تاریخی از سرگذشت پیشینیان است که قرآن در باب سرنوشت آنان ذکر کرده است یا در مقام القاء نوعی آینده‌نگری مبتنی بر طرح الهی و هم‌چنین گزاره‌های کلی است که از دلالت مطابقی آیات قرآن و وعده‌های الهی قابل استنباط و ارائه است؛ اما از حیث تصویرگری و ایجاد افق حرکتی تمدنی، آورده‌ای مانند آنچه رویکردهای دیگر به دست می‌دهند، ارائه نمی‌دهد بلکه تنها وجه تصویرگری از آینده در این رویکرد مبتنی بر چینش گزاره‌های متعددی است که از آیات و سوره‌های مختلف قرآن به صورت پراکنده استنباط و دریافت شده‌اند و به مثابه تکه‌های پازلی، طرح کلی را تکمیل می‌کنند فارغ از اینکه نسبت آیات با قبل و بعد خود یا فضای کلی سوره مورد توجه باشد، بطوری که این گزاره‌ها حتی قابلیت استنباط از بخشی از آیه را دارند. نمودار زیر به طور خلاصه رهیافت جزئی‌نگرانه در تصویرگری تمدنی را بیان می‌کند؛



نمودار (۱) - طرح کلی از تصویر آینده تمدنی مبتنی بر رویکرد جزئی‌نگر

فهرست منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- احمدی آشتیانی، فرهاد (۱۴۰۱)، گذار به تفسیر ساختار گریانه قرآن، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.
- شفیع‌ی دارابی، محمدحسین (۱۳۷۱)، نگاهی به مسئله پیشگویی‌های قرآنی (۱)، مجله معرفت، سال یکم، شماره ۳.
- شفیع‌ی دارابی، محمدحسین (۱۳۷۱)، نگاهی به پیشگویی‌های قرآن (۲)، مجله معرفت، سال یکم، شماره ۴.
- کاوه و محمدحسینی، محمد، فاطمه، (۱۳۹۸)، ویژگی وعده‌های الهی در قرآن و روایات، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال دهم، شماره ۳۷، تابستان ۱۳۹۸، ص: ۲۰۵-۲۳۶.
- گوهری فخرآباد، گوهری فخرآباد؛ مصطفی، سمانه (۱۳۹۹)، دیدگاه قرآن درباره عوامل پیشرفت و انحطاط امت‌ها، فصلنامه تمدن اسلامی و دین‌پژوهی، سال اول، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۹، ص: ۱۰-۲۷.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ج. پنجم، قم، انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج. سوم، تهران، انتشارات ناصرخسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷ش، تفسیر قمی، ج. چهارم، قم، دار الکتب الإسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، ج. اول، تهران، دار الکتب الإسلامی.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- کاوه، محمد و محمدحسینی، فاطمه (۱۳۹۸)، ویژگی وعده‌های الهی در قرآن و روایات، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره (۱۰)، شماره (۳۷)، ص: ۲۰۵-۲۳۶.
- موسوی مبلغ، فاطمه، (۱۳۹۳)، تفکر در تاریخ، قابل دسترسی در:

<http://rcb.ir/تفکر-در-تاریخ-a-145.aspx>